

گونه‌شناسی و طبقه‌بندی فرهنگ سفالی سیلک III₆₋₇ در پرتو یافته‌های کارگاه جنوبی محوطه‌ی میمنت‌آباد

روح‌الله یوسفی زُشک^۱

مجید ضیغمی^۲

خلیل‌الله بیگ‌محمدی^{۳*}

سعید باقی‌زاده^۴

نسرین بیگ‌محمدی^۵

مهدی گلچه^۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶

(از ص ۵۷ تا ۷۴)

چکیده

پژوهش‌های باستان‌شناسی در تپه‌ی میمنت‌آباد به سال ۱۳۸۹ هـ.ش. با هدف لایه‌نگاری انجام گرفت که در نهایت منجر به شناسایی ادوار فرهنگی مختلف موجود در این تپه گردید. تپه‌ی میمنت‌آباد، شامل دو برجستگی اصلی شمالی و جنوبی است. در خلال مطالعات تپه‌ی میمنت‌آباد بر اساس لایه‌نگاری انجام شده، یک دوره‌ی فرهنگی استقرار اصلی مس‌وسنگ جدید شناسایی شده است. کاوش لایه‌نگاری در تپه‌ی میمنت‌آباد و ارائه‌ی جدول گاهنگاری نسبی آن منجر شد تا اطلاعات جدیدی از دوره‌های فرهنگی و به‌ویژه در مورد عصر مس‌وسنگ جدید و فرهنگ سیلک III₆₋₇ و سیلک IV₁ در این تپه آشکار گردد. از اهداف دنبال شده در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن دو برجستگی مجزا از هم که از نظر توالی گاه‌شناختی در امتداد هم و در طی دوره‌های زمانی متفاوت سکونت داشته‌اند، ارائه‌ی گاهنگاری تپه‌ی جنوبی با تکیه بر یافته‌های سفالی بوده تا بتواند تصویر مناسب‌تری از فرآیند تحولات گاه‌شناختی را ارائه نماید. حال سؤال این است که چه قرابت فرهنگی و زمانی، بین تپه‌ی جنوبی میمنت‌آباد با سایر استقرارهای همجوار خود در مرکز فلات ایران وجود داشته است؟ مطالعه‌ی گونه‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی میمنت‌آباد، نشان‌گر شباهت‌های نزدیکی میان مراحل استقرار این محوطه با فرهنگ‌های شناخته‌شده‌ی مرکز فلات از دشت قزوین تا کاشان در نیمه‌ی هزاره‌ی چهارم ق.م. و اواخر آن است. از آنجایی که تاکنون تنها مرجع سفال‌های دوره‌ی سیلک III₆₋₇ گزارش کاوش تپه‌ی سیلک جنوبی بوده است؛ طبقه‌بندی سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ جدید این محوطه می‌تواند در مطالعات آتی راهگشا باشد. بنابر مطالعات، مراحل استقرار I تا II₆ میمنت‌آباد قابل مقایسه با تپه‌های قبرستان IV₆₋₄، سیلک III₆، سگزآباد، اسماعیل‌آباد و شیندر بوده و مرحله‌ی استقرار III₀ آن، قابل مقایسه با تپه‌های قبرستان IV₆₋₄، سیلک III₇، سگزآباد، اسماعیل‌آباد، شیندر و اریسمان B است. پژوهش پیش‌رو با روش توصیف و طبقه‌بندی، به مطالعه‌ی سفال‌های مربوط به دوره‌ی مس‌وسنگ جدید تپه‌ی میمنت‌آباد پرداخته است که با سایر سفال‌های مشابه دیگر مناطق از جنبه‌های مختلف مقایسه هستند.

کلیدواژه‌گان: فلات مرکزی، میمنت‌آباد، مس‌سنگی جدید، سیلک III₆₋₇.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد ورامین-پیشوا.
۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا.
۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق‌اردبیلی.
khalil_bm@yahoo.com
۴. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
۵. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان.
۶. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد اهر.

مقدمه

در بازه‌ی زمانی هزاره‌ی چهارم تا هزاره سوم ق.م. تغییرات شگرفی، به‌خصوص در خاور نزدیک به منصفه‌ی ظهور رسید. این تغییر و تحولات در ایران هم مشاهده شده است؛ هر چند که درباره‌ی منشاء بومی بودن یا خارجی بودن این تغییر و تحولات همچنان بحث می‌باشد (طلایی، ۱۳۸۵: ۳۲). به لحاظ زمانی، آخرین مرحله‌ی توسعه‌ی فرهنگی جوامع پیش از تاریخی فلات مرکزی ایران با مشخصه‌ی سفالینه‌های تپه‌های قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین و سیلک در حاشیه‌ی شمالی کویر مرکزی شناخته می‌شود که در ادبیات سنتی باستان‌شناسی ایران به سفال‌های «سیلک III₆₋₇» معروف هستند (Girsh-man, 1933: 235). پایان این دوره در مرکز فلات و ورود به دوره‌ی آغازنگارش با عنوان اوروک و آغاز ایلامی شناخته می‌شوند (یوسفی زشک، ۱۳۸۹: ۲۰). هدف این مقاله بررسی و مطالعه سفال بر اساس کاوش لایه‌نگاری در این محوطه است که در آن به ویژگی‌های منطقه‌ای نمونه‌های سفالی به دست آمده از کاوش این محوطه اشاره می‌شود.

بدیهی است که سفال، یکی از مهم‌ترین داده‌های باستان‌شناختی حاصل از فعالیت‌های میدانی است و در صورت درک درست در ارتباط با بافت و محیط اطراف خود، پاسخ‌گوی سؤالات باستان‌شناختی است. همچنین سفال، مهم‌ترین عامل در شناخت گاهنگاری نسبی مبتنی بر سفال فرهنگ‌های پیش از تاریخ است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). در این میان طبقه‌بندی سفال در تدوین گاهنگاری باستان‌شناسی جایگاهی کلیدی دارد. طبقه‌بندی، یعنی قرار دادن عناصر مختلف هم‌گون در گروه‌های مختلف تا ارتباط بین آن‌ها را فهمید و ارزیابی کرد (کن‌دارک، ۱۳۷۹: ۷۹). مطالعه‌ی سبک‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی میمنت‌آباد، نشان‌گر شباهت‌های نزدیکی است که بین مراحل استقرار مختلف آن با فرهنگ‌های شناخته‌شده‌ی فلات مرکزی از دشت قزوین تا کاشان در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم ق.م. و اواخر آن وجود دارد. از آنجایی که توالی منظم و قابل توجهی در تداوم لایه‌های فرهنگی آن وجود دارد، مطالعه‌ی دقیق تری از فرآیند تحولات حاکم بر این دوره‌ی زمانی را امکان‌پذیر می‌سازد. پژوهش در این مقاله مبتنی بر مقایسه داده‌های به دست آمده از محوطه‌ی میمنت‌آباد با تپه‌های قبرستان (Fazeli et al., 2013; Majidzadeh, 1976)، ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۹)، ایقر بلاغ (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹)، سیلک جنوبی (Ghirshman, 1939; Nokandeh, 2010)، قلی درویش (سرلک، ۱۳۹۰)، سگزآباد (Fazeli et al., 2013)؛ فاضلی‌نشلی و دیگران، ۱۳۹۰)، اسماعیل‌آباد (Fazeli et al., 2013) و شیذر (Fazeli et al., 2013) می‌باشد.

مس سنگی جدید (۳۷۰۰ - ۳۴۰۰ ق.م.)

دوران مس سنگی جدید که در شمال فلات مرکزی به آن با سیلک III₆₋₇ ارجاع داده می‌شود، بر اساس نتایج رادیوکربن‌های منتشر شده از تپه‌های قبرستان، قلی درویش، سیلک جنوبی و اریسمان، بین ۳۷۰۰ تا ۳۴۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری می‌شود (Fazeli et al., 2013: 107). تحقیقات انجام‌شده‌ی اخیر در تپه‌ی سیلک جنوبی حاکی از تاریخ ۳۷۱۰ تا ۳۴۹۰ ق.م. و ۳۷۶۰ تا ۳۵۱۰ ق.م. برای دوره‌ی مس سنگی جدید است که نشان از پایان دوره‌ی مس سنگی جدید در ۳۵۰۰ ق.م. می‌باشد (Nokandeh, 2010). دوره‌ی مس سنگی جدید در تپه قبرستان در تاریخ ۳۵۵۰ ق.م. متروک شده است. جدیدترین تاریخ‌های رادیوکربن از دوره‌ی مس سنگی جدید (سیلک III₆₋₇) در تپه سگزآباد به قبل از

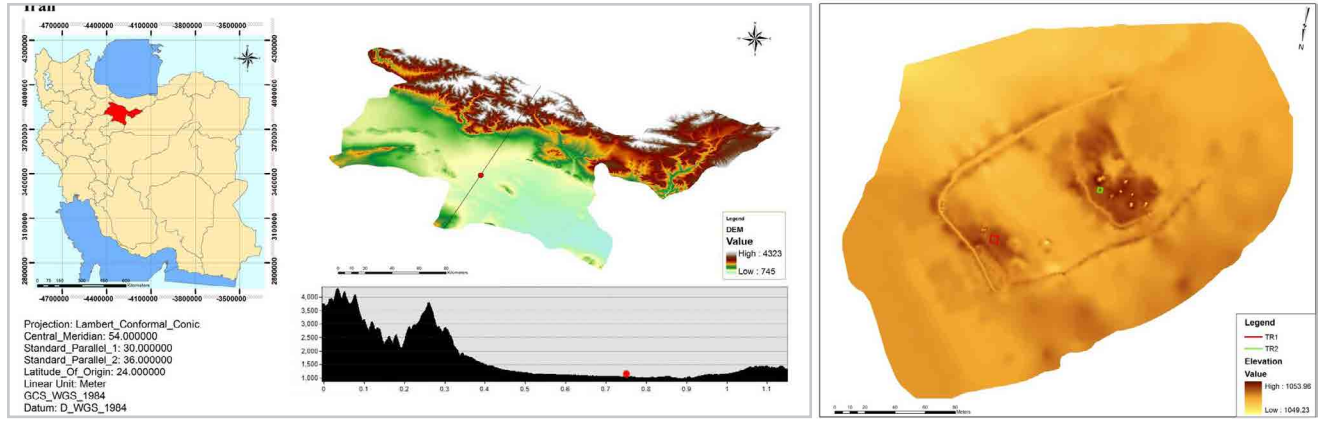
۳۵۵۰ ق.م. برمی‌گردد (فاضلی‌نشلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). شاخصه‌ی دوره‌ی مس‌سنگی جدید، سفالینه‌های تپه‌های قبرستان و سگزآباد در دشت قزوین و سیلک در حاشیه شمالی کویبر مرکزی است که به سفال‌های سیلک III₆₋₇ معروف هستند. سفال‌های شاخص این دوره از نوع نخودی و کرم بسیار ظریف و منقوش و ساده هستند. فرم‌های این سفال‌ها، شامل: فنجان‌ها، کاسه‌های عمیق با کف‌های تخت و انواع پایه‌دار با دیواره‌ی محدب و ظروف با لبه‌ی برگشته به بیرون است. سفال‌های این دوره دارای پوشش گلی غلیظ بوده و رنگ آن‌ها در طیف نخودی متمایل به زرد تا کرم کم‌رنگ قرار دارند. ماده‌ی افزوده‌ی این سفال‌ها ترکیبی از مواد غیرآلی، مانند شن نرم است و گل آن به‌خوبی ورز داده شده است. طی این مرحله، هم‌گونی منطقه‌ای در قالب سنت و سبک ساخت این سفال‌ها به اوج خود می‌رسد. تنوع نقوش شامل ترکیبی از نقوش گیاهی، حیوانی و هندسی است (Fazeli et al., 2013: 116). پایان دوره‌ی مس‌سنگی جدید در مرکز فلات، ناپدید شدن سفال‌های کلاسیک دوره‌ی سیلک III₆₋₇ و فراوانی سفال‌های خشن چرخ‌ساز نخودی‌رنگ و سفال‌های خاکستری-سیاه است. ظهور این سفال‌های جدید در قالب سفال‌های لبه‌واربخته، سینی‌ها و سفال‌های نخودی با تزیینات کُنده و قابل مقایسه با مجموعه سفال‌های شوش آکروپل لایه‌های 14-16، تپه یحیی لایه‌ی IVc، سیلک IV₂ در ایران هستند (La Brun, 1971; Ghirshman, 1939; Lamberg-Karlovsky, 1970). اکثر محوطه‌های آغازیابامی بر روی خاک بکر شکل گرفته‌اند و ضرورتاً نشانه‌ای از ادامه‌ی سنت‌های دوره‌ی مس‌سنگی جدید را در خود ندارند. در محوطه‌های دشت قزوین درحالی‌که سفال‌های دوره‌ی قبل ناپدید می‌شوند، جایگزینی سفال‌های کورآرس در تمامی لایه‌ها قابل مشاهده است.

موقعیت جغرافیایی

محوطه‌ی میمنت‌آباد در شهرستان رباط‌کریم و در فاصله‌ی حدود ۲۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهر تهران و در فاصله‌ی حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای میمنت‌آباد واقع شده است (نقشه ۱). در فاصله‌ی ۳۰۰ متری شرق محوطه، رودخانه‌ی شادچای (شاه‌چای)، یکی از انشعابات اصلی رود کرج جریان دارد. این محوطه نخستین بار توسط «حسن فاضلی‌نشلی» شناسایی شد (فاضلی، ۱۳۸۰: ۲۱۰). پس از آن «حسن باقری» در سال ۱۳۸۰ ه.ش. محوطه را بررسی نمود و در سال ۱۳۸۵ ه.ش. «سجاد علی‌بیگی» به تعیین حریم و نشانه‌گذاری این محوطه پرداخت و بر اساس مطالعه‌ی مجموعه سفال‌های محوطه، میمنت‌آباد را از دوران مس‌سنگی جدید و قرون میانی دوره‌ی اسلامی معرفی کرده است (علی‌بیگی، ۱۳۸۵). «محمدرضا نعمتی» و «فرشید مصدقی» هم در همایش «باستان‌شناسی عصر مفرغ ایران»، این محوطه را به‌عنوان محوطه‌ای از دوران آغاز عصر مفرغ معرفی کردند. این محوطه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ به شماره‌ی ۳۱۰۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. بررسی روشمند محوطه در تیرماه ۱۳۸۹ ه.ش. در دو مرحله‌ی زمانی، طی حدود شش‌ماه عملیات میدانی و مطالعاتی توسط «قاسم رحیمی انجام شد» (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹: ۱۰)؛ همچنین کاوش لایه‌نگاری این محوطه در مردادماه ۱۳۸۹ ه.ش. صورت پذیرفت.

کاوش محوطه‌ی میمنت‌آباد

فصل اول فعالیت‌های میدانی در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد که از دو برجستگی نسبتاً کم ارتفاع و البته کم وسعت قدیمی‌تر جنوبی و جدیدتر شمالی تشکیل شده، در شهریور و مهرماه ۱۳۹۱، با ایجاد دو کارگاه جداگانه بر روی هریک از برجستگی‌ها و تنها با منظور لایه‌نگاری به انجام رسید (نقشه ۲). نتایج حاصل از این کاوش منجر به شناسایی شواهدی از چهار مرحله‌ی استقرار مختلف شد که شامل دو مرحله معماری و نهشته‌گذاری‌های قابل مقایسه با دوره‌های فرهنگی شناسایی شده‌ی مانند سیلک III₆ قبرستان II و III و بخشی از قبرستان IV و ازبکی VII-V و دورریزها و نهشته‌های استقرار دوره‌ی سیلک III₇ بود. در طرف مقابل، یافته‌های کارگاه شمالی نیز حاکی از تداوم استقرار بین دو برجستگی شمالی و جنوبی بود که شامل سه مرحله‌ی استقرار قابل مقایسه با دوره‌های سیلک III₇ و قبرستان IV₆₋₁ و ازبکی VII و VIII هستند. ضمن این که مرحله‌ی متأخرتر در برجستگی شمالی، با شواهد معماری قابل توجهی نیز همراه است. مطالعه‌ی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی میمنت‌آباد نشانگر شباهت‌های نزدیکی است که بین مراحل استقرار مختلف آن با فرهنگ‌های شناخته‌شده‌ی فلات مرکزی از دشت قزوین تا کاشان در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم ق.م. و اواخر آن وجود دارد. این گزارش با در نظر گرفتن دو برجستگی مجزا از هم که از نظر توالی گاه‌شناختی در امتداد هم و در طی دوره‌های زمانی متفاوتی مسکون بوده‌اند، از قدیم به جدید و با اولویت ارائه‌ی گزارش کارگاه شماره‌ی ۲ و تکیه بر داده‌های سفالی نگاشته شده است تا بتواند تصویر مناسب‌تری از فرآیند تحولات قابل مطالعه در محوطه را ارائه نماید.



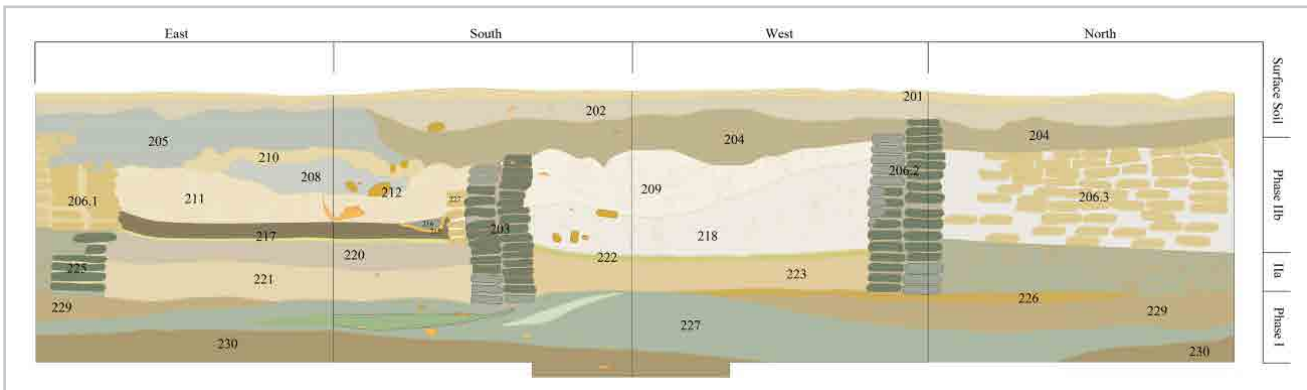
کارگاه شماره‌ی ۲، برجستگی جنوبی

کارگاه شماره‌ی ۲ به ابعاد ۳×۳ متر با دارا بودن ۳ متر لایه‌های فرهنگی مختلف، به‌منظور اطمینان از تداوم لایه‌های خاک بکر تا عمق سه‌ونیم متری مورد کاوش قرار گرفته و مجموعاً شواهدی از چهار مرحله‌ی استقرار و ۳۱ لوکوس از آن شناسایی شده است (تصاویر ۲).

▲ نقشه ۱ و ۲. نقشه‌ی ارتفاع رقومی محوطه‌ی میمنت‌آباد و موقعیت برجستگی‌ها و کارگاه‌ها (کارگاه ۱ در برجستگی شمالی و کارگاه ۲ در برجستگی جنوبی) (یوسفی‌زئسک، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

مرحله‌ی استقراری I

این مرحله از استقرار که قدیمی‌ترین مرحله‌ی استقراری کارگاه شماره‌ی ۲ و محوطه‌ی میمنت‌آباد است، مستقیماً بر روی خاک بکر قرار گرفته و متشکل از پنج



▲ تصویر ۲. مجموع مراحل استقرار کارگاه شماره ۲ برجستگی جنوبی (یوسفی‌زتشک، ۱۳۸۹).

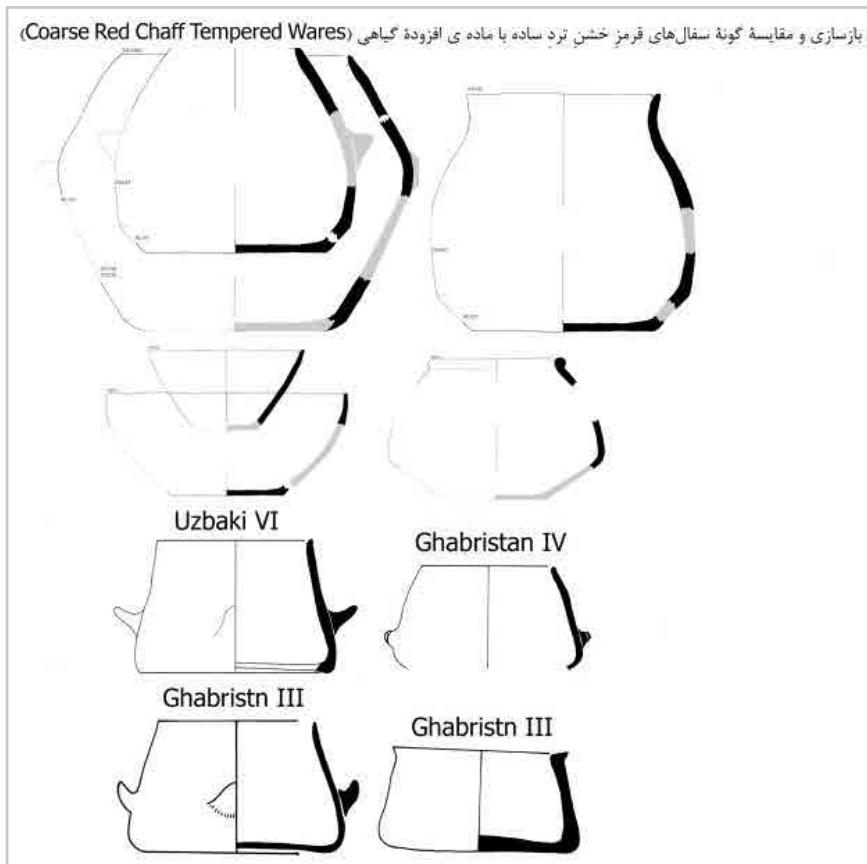


▲ تصویر ۳. گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (یوسفی‌زتشک، ۱۳۸۹).

لوکوس مجزا می‌باشد. یافته‌های سفالی این مرحله‌ی استقرار متشکل از حداقل سه گونه‌ی سفالی مختلف از نوع سفال‌های قرمز ساده (Simple Red Wares)، سیاه روی نخودی متقدم (Early Black on Buff Wares) و گونه‌ی سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی (Zigzagged Black on Buff Wares) می‌باشد که در اشکال و ترکیب‌های تزئینی مختلفی قابل تقسیم هستند. دیگر یافته‌های این مرحله‌ی استقرار، شامل: استخوان، سُم و دندان جانوری، نمونه‌ی C14، سنگ‌ساب شکسته و دسته‌ی هاون و اشیاء شمارشی، خشت حرارت‌دیده، مته‌ی سنگی، فلاخن و بخشی از یک سنگ پاشنه‌ی دَر می‌باشد.

گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده^۱

این گونه‌ی سفالی بسیار منسجم که به‌واسطه‌ی رنگ قرمز و گاهاً قرمز دودزده‌ی ساده و بدون تزئین، خشونت ظاهری، به‌ویژه در سطح خارجی، ماده‌ی افزوده‌ی ترکیبی گیاهی و کانی و گاه فقط گیاهی فراوان، تُردی ناشی از ورزیدگی ناکافی و خلل و فرج بسیار و البته نحوه‌ی پخت، شکل‌شناسی منحصر به فرد و دست‌ساز بودنش، به‌سادگی قابل تشخیص است (تصویر ۳) که در حدود ۹ درصد کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود. اشکال به‌دست‌آمده از این نوع سفال، اغلب شامل کاسه‌ها و لاوک‌های نسبتاً عمیق ساده و ظروف شکم‌دار با کف تخت است. ویژگی‌هایی، نظیر برخی اشکال منفرد، دسته‌های شاخی‌شکل و برخی اشکال لبه‌ها نیز در میان آن‌ها مشاهده می‌شود. قدیمی‌ترین نمونه‌های منتشرشده‌ی قابل مقایسه با این گونه‌ی سفالی، دیگرچه‌هایی با دسته‌های شاخی‌شکل، حاصل از فعالیت‌های میدانی مجیدزاده در محوطه‌های قبرستان و ازبکی هستند (تصویر ۴) که وی در هر دو مورد آن‌ها را به دوره‌ی استقرار قبرستان III لایه‌های ۷-۸، که آن‌را مابین دوره‌های سیلک III₅ و III₆ معرفی کرده و معرف فرهنگ مستقلی در دو محوطه‌ی یاد شده می‌داند، نسبت داده است (Majidzadeh, 1976: 284؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۴۵). اگرچه مطابق هر دو گزارش ایشان این نوع ظروف سفال خاکستری معرفی شده‌اند، اما تصویر ارائه شده از نمونه‌ی ازبکی (ازبکی VI)، نمونه‌ای دودزده از یک سفال نخودی‌رنگ بوده است (همان: ۳۳۵). نمونه‌های جدیدتر این نوع از ظروف به استناد گزارش مجیدزاده، سفالی است که به‌عنوان یک نمونه سفال خشن، با پوشش گلی غلیظ قرمز-نخودی، بدون تزئین و با ماده‌ی افزوده‌ی گیاهی توصیف شده و کاوش‌گر آن‌را به دوره‌ی دوم قبرستان که هم‌زمان با سیلک III₄₋₅ می‌باشد، نسبت داده است. تولید و کاربرد این گونه‌ی سفالی از



تصویر ۴. اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹).

ابتدای استقرار در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد در مرحله‌ی استقرار I تا مرحله‌ی ماقبل آخر استقرار در محوطه، یعنی مرحله‌ی استقرار III_b که با تحولات شدید فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کل فلات مرکزی ایران همراه است، تداوم داشته است.

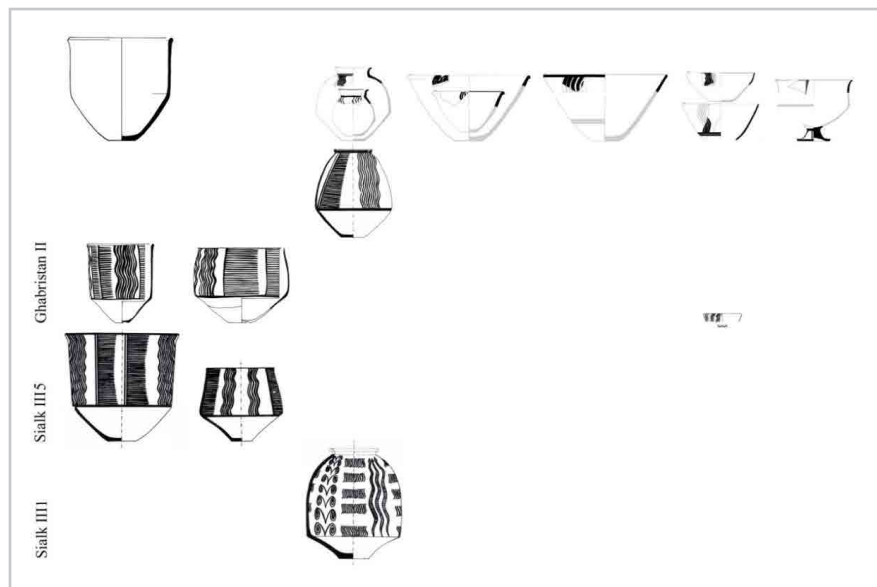
گونه‌ی سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی^۲

این گونه‌ی سفالی نسبتاً منسجم چرخ‌ساز که بیش از هر چیز به واسطه‌ی نوع منحصر به فرد تزیینات آن که شامل زیگزاگ‌های عمودی موازی هم که با رنگ سیاه بر روی زمینه‌ی متمایل به زرد ظروف اجرا شده‌اند، ابعاد و اشکال نسبتاً بزرگ قطعات، تراکم، سختی و ستبری قطعات، پوشش گلی نسبتاً غلیظ متمایل به زرد سطح خارجی و پوشش گلی رقیقی که بعضاً در سطح داخلی ظرف و در هر دو مورد با استفاده از دست اجرا شده و ورزیدگی کافی خمیره، قابل شناسایی بوده است (تصویر ۵)، بیش از ۷ درصد کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود که به‌صورتی غیرهم‌گون در میان مراحل استقرار شناسایی شده، تقسیم‌گرفته‌اند. اشکال به‌دست‌آمده از این نوع سفال، اغلب شامل ظروف بزرگ ذخیره‌سازی، مانند انواع خمره‌های با دهانه‌ی بسته و باز، کاسه‌های بزرگ با دهانه‌های باز و لبه‌های باریک‌شونده، گرد شده و پخ که با توجه به نمونه‌های موجود و ابعاد بزرگ ظروف به‌نظر می‌رسد که از کف‌های تخت بهره می‌برده‌اند، اگرچه وجود شواهد اندکی، مانند تک‌نمونه‌هایی از پایه‌های ظروف و یا قطعاتی متعلق به نقاط



▲ تصویر ۵. گونه‌ی سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹).

اتصال پایه به ظرف، احتمال پایه‌دار بودن برخی ظروف را دور از ذهن نمی‌دارد. تقریباً همه‌ی نمونه‌های مشابه این گونه‌ی سفالی در گزارش‌های قبرستان و سیلک، نمونه‌هایی از ظروف کامل به‌دست آمده از کاوش‌های این محوطه‌ها هستند که اکثراً به ظروف ذخیره‌ی بزرگ و بسیار بزرگ تعلق داشته و به مراحل استقرار سیلک III₅ هم‌زمان با قبرستان II و سیلک III₆ نسبت داده شده‌اند (تصویر ۶). یک نمونه از ظروف کوچک‌تر معرفی شده از قبرستان، کاسه‌ی کوچکی مشابه نمونه‌های میمنت‌آباد است. نمونه‌های غیرمنسجم و ناهم‌گونی از این گونه‌ی سفالی، در گزارش محوطه‌ی ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۳۰۴-۳۳۶) نیز مورد اشاره قرار گرفته است. تولید و کاربرد این گونه‌ی سفالی از ابتدای استقرار در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد در مرحله‌ی استقرار I تا مرحله‌ی استقرار II₆ کاملاً محرز بوده و تداوم آن به مرحله‌ی استقرار III₀ با توجه به ویژگی تخمینی و تقریبی این مرحله، قابل قضاوت نیست و این درحالی است که به‌نظر می‌رسد اتمام کاربرد این گونه‌ی سفالی در پایان استقرار در برجستگی جنوبی کاملاً بدیهی باشد.



► تصویر ۶. اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی (نگارندگان، ۱۳۹۳).

سفال‌های سیاه روی نخودی متقدم^۲

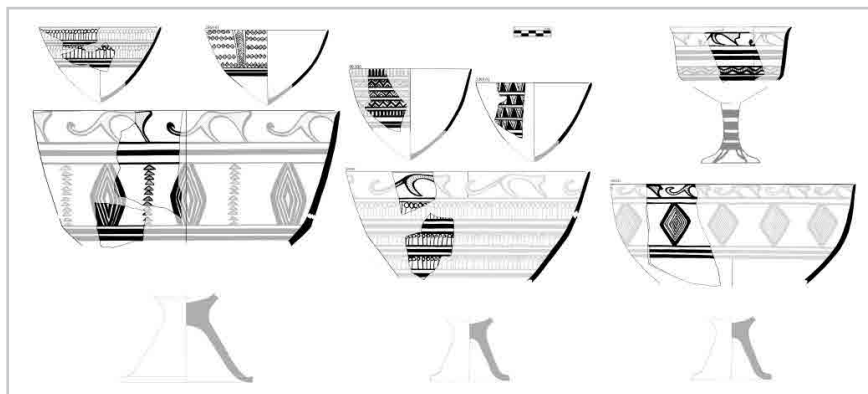
بارزترین صفت مشخصه‌ی سفال‌های این مرحله‌ی استقرار در میمنت‌آباد، وجود سفال‌های کف‌مخروطی بسیار ظریف و خوش‌ساختی است که برای ساخت آن‌ها از یک استاندارد واحد در شکل‌دهی ابعاد و اندازه‌های ظروف و تزیین استفاده شده و تقریباً همگی آن‌ها در طیف یک‌سانی قرار می‌گیرند. این گونه‌ی سفالی، کاملاً منسجم چرخ‌ساز به‌واسطه‌ی نقش‌مایه‌های هندسی و جانوری متنوع آن که با رنگ قهوه‌ای متمایل به سیاه بر روی زمینه‌ی متمایل به زرد ظروف اجرا شده‌اند، اشکال مخروطی برخی از ظروف، پوشش گلی غلیظ متمایل به زرد در سطح خارجی، ورزیدگی کافی خمیره و ساخت و پرداخت ظریف قطعات، پخت مطلوب و استفاده از مقدار بسیار کمی از ماده‌ی افزودنی گیاهی ریز در بافت خمیره، به‌راحتی قابل شناسایی بوده و حدود ۶ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود که تنها منحصر به دو مرحله‌ی استقرار

ابتدایی محوطه در کارگاه شماره‌ی ۲ می‌باشد (تصویر ۷). اشکال به‌دست‌آمده از این نوع سفال، تنها شامل سه گروه از کاسه‌های کوچک کف‌مخروطی با اندازه‌های تقریباً استاندارد، کاسه‌های کوچک پایه‌بلند و کاسه‌های پایه‌دار بزرگ می‌باشد که همگی از انواع با دهانه‌های باز هستند (تصویر ۸).



▲ تصویر ۷. سفال‌های سیاه روی نخودی متقدم (یوسفی‌زفسک، ۱۳۸۹).

هیچ شواهدی از وجود کف‌های تخت در میان ظروف این گونه‌ی سفالی به‌دست نیامده و نمونه‌های به‌دست آمده از تپه‌ی ایقربلاغ (واقع در پانصد متری تپه اسمعیل‌آباد ساوجبلاغ) نیز مؤید نتایج حاصل از میمنت‌آباد است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۵۱۳). در میان ترکیبات متنوع نقش‌مایه‌ها، کم‌تر از ۱۰ درصد آن‌ها به نقش‌مایه‌های جانوری شامل پلنگ‌ها و مارها اختصاص یافته و به‌ندرت بزها را نیز شامل می‌شود و مابقی انواع نقش‌مایه‌های هندسی ساده و مرکب است. نمونه‌های مشابه این گونه‌ی سفالی در گزارش سیلک به دوره‌های سیلک III₆₋₇ نسبت داده شده (Ghirshman, 1938: 259) و تا حدودی قابل قیاس با برخی نمونه‌های میمنت‌آباد هستند. در میان سفال‌های معرفی شده در گزارش قبرستان نیز تنها دو نمونه، قابلیت مقایسه با نمونه‌های میمنت‌آباد را دارا بوده که به دوره‌ی قبرستان II نسبت داده شده‌اند (Majidzadeh, 1976: 262)، و در محوطه‌ی ایقربلاغ ساوجبلاغ شواهد محکم‌تری از حضور این گونه‌ی سفالی در غرب دشت تهران به‌دست آمده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۵۳۹). تنها نمونه‌ی مشهود از محوطه‌ی ازبکی به دوره‌ی ازبکی VII (سیلک III_{6-7b}) نسبت داده شده است (تصویر ۹). تولید و کاربرد این گونه‌ی سفالی از ابتدای استقرار در محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد در مرحله‌ی استقرار I تا مرحله‌ی استقرار II_a ادامه داشته و پیش از ورود به مرحله‌ی استقرار II_b متوقف می‌شود.



تصویر ۸. سفال‌های سیاه روی نخودی متقدم (نگارندگان، ۱۳۹۳). ◀

مرحله‌ی استقرار II_a

این مرحله از استقرار در محوطه‌ی میمنت‌آباد، دومین مرحله‌ی استقرار کارگاه شماره‌ی ۲ است که بلافاصله بر روی فاز قبلی واقع شده و متشکل از حداقل سه پاره دیوار و فضاهای مربوط به آن‌ها می‌باشد. شواهد حاکی از آن است که ساکنین محوطه پس از یک دوره‌ی استقرار در این مرحله، اقدام به تخریب برخی دیوارها نموده و بار دیگر فضاهای جدید خود را منطبق با پلان‌های قبلی و با استفاده از دیوارهای مستحکم پیشین و یا بر روی بقایای آن‌ها، در مرحله‌ی استقرار بعد تجدید نموده‌اند؛ البته این مسئله، همچنین با نگاهی به طبقه‌بندی یافته‌های فرهنگی این دو مرحله‌ی استقرار، به‌ویژه در مورد سفال نیز قابل تأیید است. شاید بتوان با توجه به عدم وجود کف‌های



▲ تصویر ۹. (a) سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌ی اَبَرِیلاغ، (b) نمونه‌ی سفال به‌دست آمده از محوطه‌ی ازبکی (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۵۳۹؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۶۰۵).



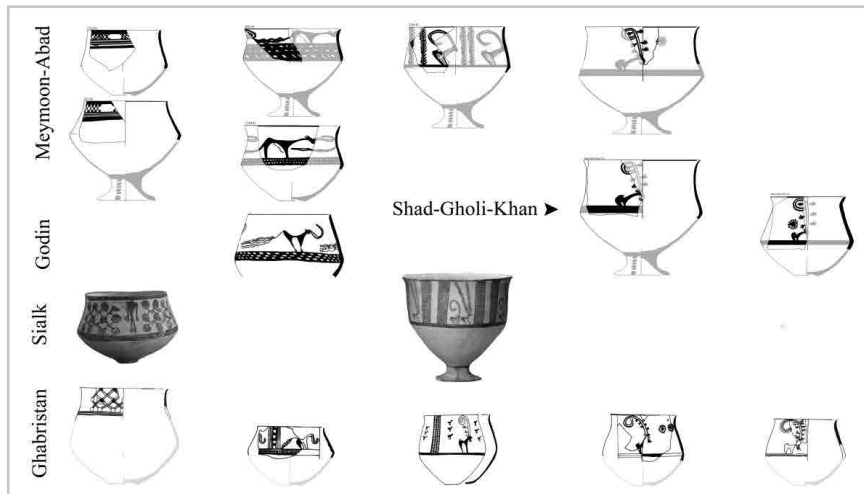
▲ تصویر ۱۰. (a) ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متقدم (Early Transitional Black on Buff Ware)، (b) ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (Late Transitional Black on Buff Ware)، (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹).

ساخته‌شده در دو سوی دیوار شمالی جنوبی (لوکوس ۲۰۳) چنین استنباط نمود که فضاهای شرق و غرب آن در این مرحله‌ی استقرار، بخشی از یک فضای باز در طول استقرار بوده‌اند. یافته‌های سفالی این مرحله‌ی استقرار متشکل از حداقل چهارگونه‌ی سفالی مختلف از نوع سفال‌های قرمز ساده (SRW)، سفال‌های سیاه روی نخودی متقدم (EBoB)، گونه‌ی سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی (ZBoB Ware) و ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متقدم (Early Transitional Black on Buff Ware) را انتظار داشت، که در اشکال و ترکیب‌های تزیینی مختلفی قابل تقسیم هستند. دیگر یافته‌های این مرحله‌ی استقرار، شامل: استخوان، دندان، فک جانوری، سنگ‌ساب شکسته، قطعاتی از یک پیکرک شکسته، شیء نامعلوم برنزی و قطعاتی از یک ظرف‌سنگی شکسته‌ی مرمزی می‌باشد.

ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متقدم^۴

گونه‌ی سفالی جدید، شامل مجموعه‌ای از سفال‌های نخودی‌رنگ با بدنه‌های پرداخت شده و گاه‌اُ داغ‌دار بدون پوشش گلی افزوده است که از جهات بسیاری، تغییر و تحولات قابل توجه‌ای را به‌نمایش می‌گذارد. این گونه‌ی سفالی به‌ظاهر منسجم چرخ‌ساز بیش‌از هر چیز به‌واسطه‌ی تغییرات منحصربه‌فرد در تزیینات ظروف از نقوش متراکم ترکیبی به‌سمت نقش‌مایه‌های منفرد موضوعی، نحوه‌ی پرداخت سطح سفال برای اجرای تزیینات، خمیره‌ی پاک و شکل‌شناسی جدید آن در مقایسه با گونه‌های پیشین متمایز می‌گردد، حدود ۳ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود که پراکندگی آن منحصر به دو مرحله‌ی استقرار II_a و II_b است (تصویر ۱۰). اشکال رایج در این گونه‌ی سفالی، ظروفی با بدنه‌های زاویه‌دار و دهانه‌های تنگ‌تر از زاویه‌ی بدنه‌ی با ارتفاع نسبتاً کم و اندازه‌ی کوچک است که با توجه به نمونه‌های میمنت‌آباد و نمونه‌های دیگر محوطه‌ها به‌نظر می‌رسد که شامل دو نوع از کف‌های تخت و نمونه‌های پایه‌دار بوده‌اند. لبه‌ی همگی ظروف متعلق به این گونه‌ی سفالی از نوع لبه‌های باریک‌شونده است. ترکیبی از نقش‌مایه‌های جانوری و هندسی در تزیینات به‌کار گرفته شده که نقش‌مایه‌های جانوری در مجموعه‌ی حاضر محدود به سبک خاصی از ترسیم بزسانان با شاخ‌های بلند عمودی و گاوهای شاخ‌بلند با شاخ‌هایی کشیده به‌حالت افقی است که گاه با همراهی خورشید یا نقش‌مایه‌ی مشابهی بر بالای سرشان، انواع سفال‌های مسبک مرحله‌ی استقرار اول میمنت‌آباد و سفال‌های قبرستان II را یادآوری می‌کنند. این نقوش اغلب بر روی نواری افقی (خواه ساده و خواه به‌صورت چهارخانه‌ی نامنظم) ترسیم شده است. البته، علاوه‌بر نقش‌مایه‌های جانوری، تزیینات صرفاً هندسی نیز در میان آن‌ها مشاهده می‌شود که بارزترین آن‌ها نقشی مشابه تور مشبک ماهیگیری است که در ترکیب با خطوط موازی افقی در زیر لبه‌ی ظروف نقش بسته است و استفاده از آن در سرتاسر فلات قابل پیگیری است. تزیینات در این گونه‌ی سفالی تنها محدود به نیمه‌ی بالایی زاویه‌ی موجود در بدنه‌ی ظرف است و برجستگی زاویه در اغلب موارد با نواری ساده تزیین می‌شده است. تنها نمونه‌ی مشابه این گونه‌ی سفالی از سیلک به دوره‌ی سیلک III₇ نسبت داده شده است (Ghirshman, 1938: 195, 231). از دیگر محوطه‌هایی که شواهد حضور این گونه‌ی

سفالی را به نمایش می‌گذارند، محوطه‌ی شادقلی‌خان قم است (تصویر ۱۱) که کاوشگر آن، مجموعه‌ای از سفال‌های این گونه‌ی سفالی را به دوره‌ی سیلک III₄₋₅ نسبت داده است (سرلک، ۱۳۹۰: ۸۷). این گونه‌ی سفالی که شواهد آن محدود به دو مرحله‌ی استقرار II_a و II_b میمنت‌آباد می‌باشد، ابتدا به‌طور هم‌زمان در کنار سه گونه‌ی $ZBoB$ ، SRW و $EBoB$ به‌دست‌آمده و سپس در مرحله‌ی II_b در حالی که دو گونه‌ی سفالی $ZBoB$ و SRW هنوز ادامه دارند، کاملاً جایگزین گونه‌ی سفالی $EBoB$ می‌گردد. درحالی که توالی سبک‌های سفالی در میمنت‌آباد حکایت از یک تداوم فرهنگی مستمر و بی‌وقفه بوده، مجیدزاده با تکیه بر یافته‌های خود در ازبکی و قبرستان بر روی وقفه‌ای ناشی از حضور یک فرهنگ مستقل با نوعی سفال خاکستری تأکید دارد و این دو گونه‌ی سفالی را به‌ترتیب به دوره‌های قبرستان II و IV نسبت می‌دهد. همه‌ی این مسائل وقتی معنی‌دارتر می‌شوند که به گونه‌ی CRC برگشته و داستان سفال دسته‌دار به‌دست آمده از ازبکی را که بیش از آن که خاکستری باشد، یک سفال نخودی دودزده به‌نظر می‌رسد را بازخوانی کرد (مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۳۳۵).



تصویر ۱۱. اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متقدم (نگارندگان، ۱۳۹۳).

مرحله‌ی استقرار II_b

این مرحله‌ی استقرار که بلافاصله بر روی مرحله‌ی قبلی و منطبق با پلان معماری آن و با سازه‌های مشترک بین دو مرحله شناسایی شده، شامل بخش‌هایی از دو فضای معماری (به احتمال قوی سرپوشیده) است که به‌واسطه‌ی دو واحد از دیوارهای مرکبی که در دو راستای شرقی-غربی و شمالی-جنوبی قرار گرفته‌اند، به‌وجود آمده است. آنچه که از پلان کارگاه در این مرحله‌ی استقرار مشهود است، وجود فضاهایی مشابه با مرحله‌ی استقرار پیشین است، به‌نحوی که ساکنین محوطه پس از یک دوره‌ی استقرار در این مرحله اقدام به تخریب برخی دیوارها و بار دیگر فضاهای جدید خود را منطبق با پلان‌های قبلی و با استفاده از دیوارهای مستحکم پیشین و یا بر روی بقایای آن‌ها تجدید نموده‌اند؛ همچنین در مشابهت با مرحله‌ی استقرار قبل ($Phase II_a$)، این مسئله با نگاهی به طبقه‌بندی یافته‌های سفالی این مرحله نیز قابل تأیید است.

یافته‌های سفالی این مرحله‌ی استقرار نیز متشکل از چهار گونه‌ی سفالی مختلف است که سه نوع آن، شامل گونه‌ی سفال‌های قرمز ساده (SRW)، سفال‌های سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی ($ZBoB$) و ظروف سیاه روی نخودی انتقالی متقدم

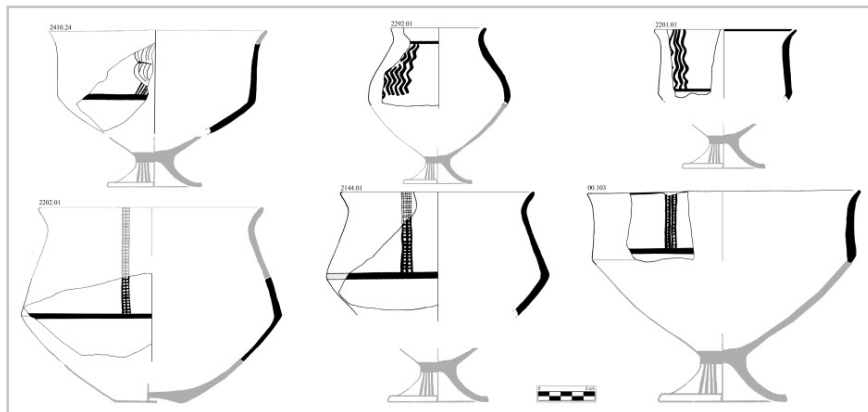
(ETBoB) که از مرحله‌ی استقرار پیشین به این فاز تداوم یافته و سفال‌های سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (Late Transitional Black on Buff Wares) نیز گونه‌ی جدیدی است که با در نظر گرفتن توالی لایه‌ها، نه در زمان تداوم جریان زندگی در فضاهای یاد شده، بلکه در ادامه‌ی فرآیند ویرانی آن‌ها به مجموعه‌ی سفال‌های مورد استفاده‌ی ساکنین این محوطه اضافه شده است. با توجه به مدارک و مستندات حاصل از کاوش کارگاه شماره‌ی ۲، در این مرحله‌ی استقرار تولید انواع ظروف سیاه روی نخودی انتقالی متقدم (EBoB) کاملاً متوقف شده و جای خود را، به‌ویژه در لایه‌های پایین‌تر، به گونه‌ی ظروف سیاه روی نخودی انتقالی متقدم نشان می‌دهد که با توجه به شواهد موجود، می‌توان در میان آن‌ها انواع ظروف با کف‌های تخت و یا نمونه‌های پایه‌دار (ETBoB) را مشاهده کرد. اشکال رایج در دو گونه‌ی سفالی جدید در مشابهت با یکدیگر، شامل همان مجموعه‌ی ظروف پایه‌دار یا کف‌تخت با بدنه‌های زاویه‌دار و دهانه‌های تنگ‌تر از بدنه و نسبتاً کم‌ارتفاع است که هر یک با نقش‌مایه‌هایی مختص به خود و نیز تداوم گرایش به کم کردن تراکم نقش بر روی سفال در تمامی لایه‌های مربوط به این مرحله قابل مشاهده هستند. دیگر یافته‌های این مرحله‌ی استقرار، شامل: استخوان، دندان، فک‌جانوری، سنگ‌ساب شکسته، قطعاتی از یک پیکرک شکسته، گچ و قطعاتی از اسیسیدین می‌باشد.

سفال‌های سیاه روی نخودی انتقالی متأخر^۵

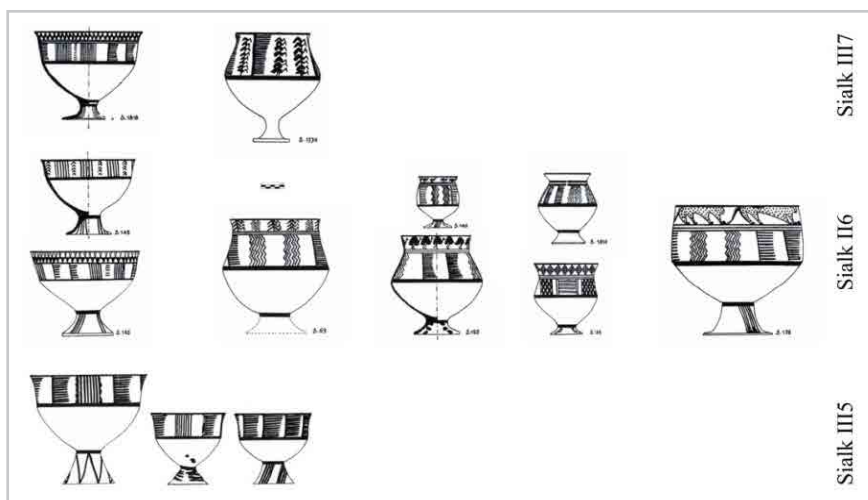
با توجه به یافته‌های کارگاه شماره‌ی ۲، EBoB کاملاً متوقف شده و جای خود را، در ابتدا به گونه‌ی ظروف سیاه روی نخودی انتقالی متقدم (ETBoB) و در نهایت در لایه‌های بالایی به سفال‌های سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (Late Transitional Black on Buff Wares) داده است. اشکال رایج در گونه‌ی سفالی جدید نیز در مشابهت با گونه‌ی ETBoB بوده است. گونه‌ی سفالی جدید با ظاهری نسبتاً منسجم، شامل ظروف سفالی چرخ‌سازی است (تصویر ۱۲) که حدود ۳ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود و به‌طور عمده، منحصر به پُرشدگی فضاهای معماری مرحله‌ی استقرار II_۶ می‌باشد. نکته‌ی مهم مرتبط با تزیینات این گونه‌ی سفالی، استفاده از رنگ سیاه برای تزیین ظروف است. نمونه‌های مشابه این گونه‌ی سفالی که از گزارش سیلک قابل شناسایی است، از تنوع بیشتری نسبت به میمنت‌آباد برخوردار هستند (تصویر ۱۳)؛ ضمن این‌که از نظر تزیینات اعمال شده نیز، با وجود مشابهت‌های ساختاری، تفاوت‌های ظاهری قابل توجهی را نیز در مقایسه با نمونه‌های میمنت‌آباد و شاید قبرستان، از خود نشان می‌دهند (Ghirshman, 1938: 195, 245). در میان این نمونه‌ها که بخش عمده‌ای از آن‌ها به دوره‌ی سیلک III_۶ نسبت داده شده، چند مورد نیز با وجود مشابهت‌های سبک‌شناختی، به دوره‌های قبل و بعد از سیلک III_۶ نسبت داده شده‌اند.

مرحله‌ی استقرار III_۶

این مرحله‌ی استقرار با در نظر گرفتن تفاوت‌های سبک‌شناختی گونه‌های سفالی به‌دست آمده از لایه‌های قابل اعتماد سطح کارگاه شماره ۲ (به‌عنوان بافت اولیه) و عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی کارگاه شماره‌ی ۱ نام‌گذاری شده که شناسایی آن به‌واسطه‌ی مطالعه‌ی سبک‌شناسی گونه‌های سفالی رایج امکان‌پذیر است. از



تصویر ۱۲. اشکال مربوط به گونه‌ی ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (نگارندگان، ۱۳۹۳). ◀



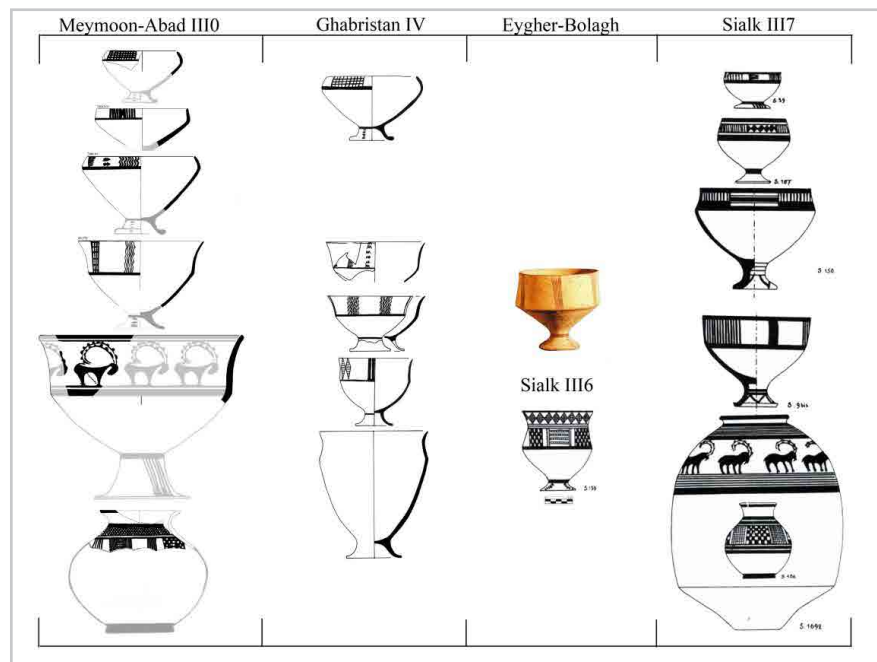
تصویر ۱۳. اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی ظروف منقوش سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (نگارندگان، ۱۳۹۳). ◀

آن جایی که دو سطح یاد شده‌ی فوق فاقد شواهد معماری بوده و تنها یافته‌های شاخص آن‌ها، یافته‌های سفالی بود؛ بنابراین پیگیری روند تغییرات تکنیکی فرآیند ساخت سفال از مرحله‌ی عمل‌آوری خمیره تا شکل‌دهی و تزئین آن مورد توجه قرار گرفته و مطالعه شد. این گروه از سفال‌ها تحت‌تأثیر گونه‌ی سفال‌های نخودی ظریف با نقش مایه‌های هندسی بسیار کم‌تراکم و پوشش گلی غلیظ (LTBoB)، اغلب از تزئینات کم‌تراکمی برخوردار هستند، درحالی‌که در عین‌دارا بودن برخی از نقش مایه‌های عمودی و منفرد، از نظر شکل‌شناسی بیش از قرابت با انواع گونه‌های سفالی بعدی (Standard Black on Buff Wares) مشابهت پیدا می‌کنند. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد که در این مرحله تولید گونه‌های سفال‌های قرمز ساده (SRW) هم‌چنان تداوم داشته و تولید گونه‌های سفال سیاه روی نخودی با نقوش زیگزاگی (ZBoB) که از آغاز استقرار در برجستگی جنوبی در تمامی مراحل استقرار تداوم داشتند، متوقف شده و ظروف سیاه روی نخودی انتقالی متأخر (LTBoB) نیز جای خود را به گونه‌ی جدیدی با عنوان سفال‌های سیاه روی نخودی استاندارد اولیه (Proto Standard Black on Buff Wares) می‌دهد. با آگاهی از این نکته که مطالعه‌ی بافت سطحی‌ترین لوکوس‌های به‌دست آمده از کارگاه شماره ۲، نشان از آن داشتند که این بافت‌ها در حد قابل ملاحظه‌ای دست‌نخورده و قابل‌اطمینان هستند و با در نظر گرفتن وجوه اشتراک و افتراق سبک‌شناختی سفال‌های سطح بالای کارگاه شماره ۲ و پایین‌ترین سطح کارگاه شماره ۱، می‌توان رأی به‌وجود

مرحله‌ای از استقرار در این محوطه داد که در گذر زمان از بین رفته ولی با در نظر گرفتن شواهد موجود، عنوان «فاز گمشده» به آن داده شده است. سفال‌های مربوط به این مرحله نیز با توجه به نام‌گذاری گونه‌ی سفالی مرحله‌ی بعد، با عنوان سفال سیاه روی نخودی استاندارد اولیه (PSBoB) نام‌گذاری گردید.

سفال‌های سیاه روی نخودی استاندارد اولیه^۶

این گروه غیرمنسجم از سفال‌ها تحت‌تأثیر گونه‌ی سفال LTBoB، اغلب از تزیینات کم‌تراکمی برخوردار هستند. نوع نقش‌مایه‌ی اجرا شده بر روی پایه‌ها نیز ترکیبی از انواع تزیین شده با نقطه‌های متوالی و انواع با تزیینات جناغی است که نمونه‌هایی از هر دو نوع را می‌توان در بین این سفال‌ها مشاهده کرد. از نظر بافت سفال‌ها با ماده‌ی افزوده‌ی گیاهی و با ماده‌ی افزوده‌ی ماسه‌ی نرم دیده می‌شوند. اشکال رایج در این مجموعه، شامل نمونه دهانه‌های تنگ و بدنه‌های زاویه‌دار است. نمونه‌هایی با بدنه‌های زاویه‌دار که قسمت بالایی زاویه‌ی بدنه‌ی آن‌ها بسیار کوتاه و متمایل به داخل ساخته شده بسیار شاخص هستند (تصویر ۱۴). تنوعی از نقش‌مایه‌های جانوری و هندسی برای تزیین به کار گرفته شده که به نظر می‌رسد نقش‌مایه‌های جانوری در این مجموعه، به سمت نقوش طبیعت‌گرایانه‌تری نسبت به گذشته پیش می‌رود. در میان مجموعه‌ی یافته‌های سفالی سیلک، می‌توان به نمونه‌ای با شکل‌شناسی مرتبط با گونه‌ی سفالی LTBoB، که ظرفی با دهانه‌ی بسته و بدنه‌ی زاویه‌دار بوده و تزییناتی استاندارد و قاب‌بندی شده مانند سفال‌های SBoB دارد، اشاره کرد (Ghirshman, 1938: 139) که به دوره‌ی ششم سیلک III نسبت داده شده است، از دیگر نمونه‌ها (Ibid) نیز می‌توان به تعدادی از ظروفی اشاره کرد که از نظر شکل‌شناختی مشابهت نسبی با نمونه‌های زاویه‌دار گونه‌ی سفالی CPB داشته و به دوره‌ی هفتم سیلک III نسبت داده شده‌اند. استانداردهای سبک‌شناختی اشکال و تزیینات سفال‌های قبرستان نیز در مقایسه



► تصویر ۱۴. اشکال مقایسه‌ای مربوط به گونه‌ی ظروف سیاه روی نخودی استاندارد اولیه (نگارندگان، ۱۳۹۳).

با سیلک، از شباهت نزدیک‌تری با میمنت‌آباد برخوردار بوده که همگی آن‌ها بدون استثناء به دوره‌ی قبرستان IV نسبت داده شده‌اند (Majidzadeh, 1976: 289-294). هیچ نمونه‌ی قابل‌توجهی از کاوش‌های ازبکی ارائه نشده است، ضمن این‌که تک نمونه‌ی معرفی شده از ایقربلاغ نیز نمونه‌ی بسیار خوبی برای مقایسه با مجموعه‌ی میمنت‌آباد است. از دیگر محوطه‌های با شواهد مشابه، گودین تپه‌ی نه‌اوند است که به دوره‌ی گودین VI نسبت داده شده‌اند و نشانه‌های محکمی از تبادلات بین منطقه‌ای میان شمال فلات مرکزی و دامنه‌های شرقی زاگرس مرکزی را به نمایش می‌گذارند (Rothman & Gopnik, 2011: 82). عمده‌ی شواهد این مجموعه‌ی سفالی محدود به مرحله‌ی استقرار III_0 میمنت‌آباد می‌باشد.

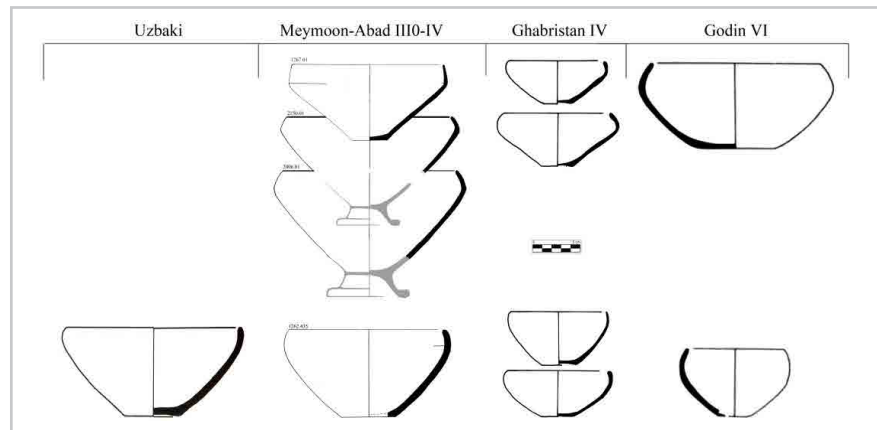
گونه‌ی ظروف سفالی زورقی نخودی‌رنگ ساده^۷

از انواع سفال‌هایی که تولید آن در این مرحله‌ی استقرار آغاز شده و در مراحل بعدی به یکی از انواع سفال‌های غالب هر مرحله تبدیل می‌شود، انواعی از ظروف سفالی مصرفی زورقی نخودی‌رنگ ساده (Carinated Plain Buff Wares) هستند که همگی بدون استثناء چرخ‌ساز بوده و جز در موارد اندکی که از پوشش گلی برای پرداخت سطح آن‌ها استفاده شده، اغلب ساده و فاقد پرداخت ثانوی (پرداخت پس از اتمام مرحله‌ی شکل‌دهی) هستند. این گونه‌ی سفالی حدود ۲۰ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را شامل می‌شود که پراکندگی آن تنها منحصر به مراحل استقرار II_0 پس از مرحله‌ی II_0 می‌باشد. اشکال رایج در این گونه‌ی سفالی، شامل ظروفی با بدنه‌های زاویه‌دار است که دهانه‌های تنگ ظروف با فاصله‌ی اندکی در بالای این زاویه قرار دارد و به نظر می‌رسد، شامل دو نوع از کف‌های تخت و نمونه‌های پایه‌دار بوده‌اند؛ با وجود این‌که نمونه‌های منقوش با اشکال مشابه این گونه‌ی سفالی نیز در این مرحله شناسایی شده، این گونه‌ی سفالی، اساساً ساده و غیرمنقوش بوده است. در بین مجموعه‌ی یافته‌های سفالی سیلک، هیچ نمونه‌ای برای این گروه از سفال‌های میمنت‌آباد یافت نمی‌شود، اما در میان سفال‌های معرفی شده در گزارش قبرستان، نمونه‌های مطلوبی برای مقایسه با این مجموعه وجود دارد که همگی آن‌ها در کنار سفال‌های لبه‌واربخته و انواعی که از آن‌ها به‌عنوان ظروف کف‌نخ‌بُر یاد می‌شود، بدون استثناء به دوره‌ی قبرستان IV نسبت داده شده‌اند (Majidzadeh, 1976: 288). در گزارش کاوش‌های مجموعه‌ی ازبکی نیز تعداد اندکی از این نوع ظروف در میان سفال‌های منسوب به عصر آهن و دوره‌ی ماد مارال تپه مشاهده شده که به ۱،۲۵ سانتی‌متر ابتدایی لایه‌ها تعلق داشته و به سبب وجود کاسه‌های لبه‌واربخته‌ی او روکی در سطح محوطه، می‌توانسته مربوط به لایه‌های مضطرب و یا جابه‌جایی اتفاقی قطعات سفالی بوده باشد (مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸۲). از دیگر محوطه‌هایی که شواهدی از حضور این گونه‌ی سفالی را به نمایش می‌گذارند، گودین تپه‌ی نه‌اوند است که نمونه‌هایی از دوره‌ی گودین VI را در اختیار می‌گذارد (تصویر ۱۵)، (Rothman & Gopnik, 2011: 82).

مجموعه‌ی سفال نخودی ساده با پوشش گلی غلیظ^۸

یکی دیگر از انواع سفال‌هایی که تولید آن در این مرحله‌ی استقرار آغاز شده

► تصویر ۱۵. مقایسه‌ی اشکال مربوط به گونه‌ی ظروف سفالی ظروف سفالی مصرفی زورقی نخودی‌رنگ ساده (نگارندگان، ۱۳۹۳).



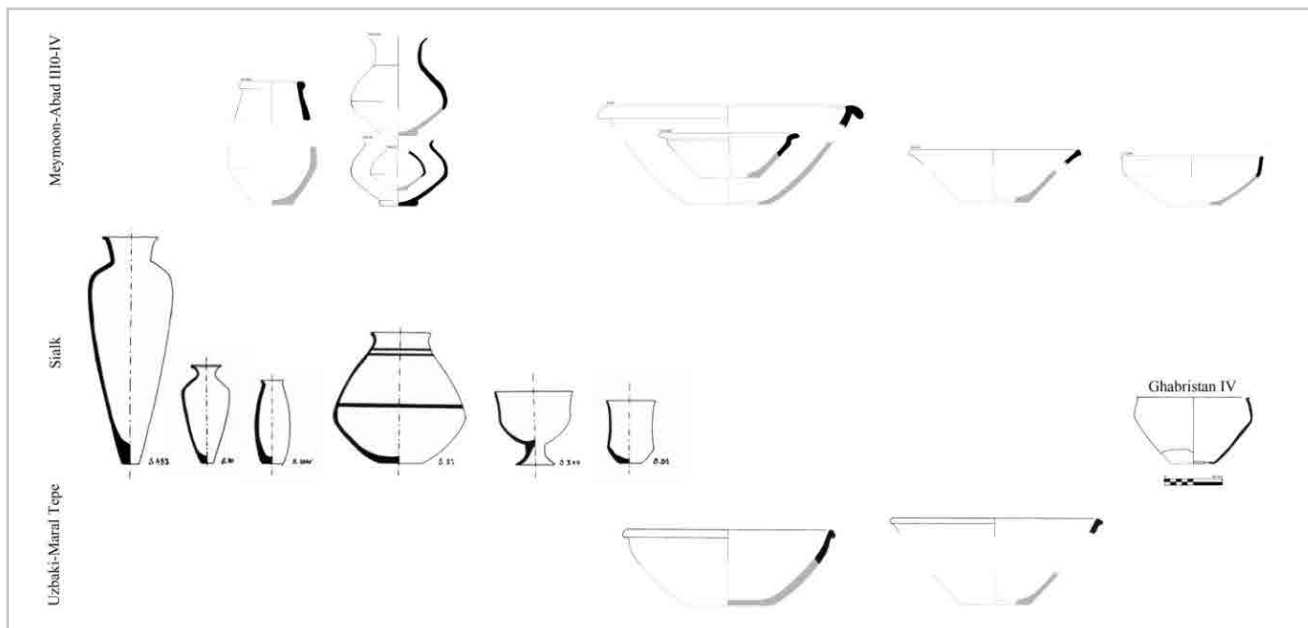
و در مراحل بعدی به یکی از انواع سفال‌های غالب هر مرحله تبدیل می‌شود، انواعی از ظروف سفالی غیرمنقوش نخودی‌رنگ ساده (Plain Slipped Buff Wares) هستند که همگی بدون استثناء چرخ‌ساز و دارای پوشش گلی غلیظ بوده و جز در مواردی معدود، سطح خارجی آن‌ها کاملاً پرداخت شده و داغ‌دار است. این نوع از سفال‌ها با خمیره‌ای که از ماده‌ی افزوده‌ی معدنی (ماسه‌ی نرم) در آن‌ها استفاده شده، حدود ۲۰ درصد از کل مجموعه‌ی مورد مطالعه را دربر می‌گیرند (تصویر ۱۶). این نوع سفال‌ها از مرحله‌ی استقرار III₀ آغاز شده و تا پایان استقرار در میمنت‌آباد ادامه پیدا می‌کنند. با وجود این که به نظر می‌رسد این نوع از سفال‌ها انواعی کاربردی و پرمصرف بوده باشند، در بین مجموعه‌ی یافته‌های سفالی سیلک، نمونه‌ی قابل ملاحظه‌ای برای مقایسه مشاهده نمی‌شود و به نظر می‌رسد که چند نمونه‌ی معدود ارائه شده نیز بیشتر با سفال‌های اوروکی مرتبط بوده باشند (Ghirshman, 1938: 266-268). در گزارش قبرستان نیز تک‌نمونه‌ای بیش یافت نمی‌شود که ظرفی نسبتاً کوچک با بدنه‌ای زاویه‌دار بوده و نمونه‌های مشابه آن در میمنت‌آباد نیز قابل مشاهده است (Majidzadeh, 1976: 288). در گزارش کاوش‌های مجموعه‌ی ازبکی نیز تعداد اندکی از این نوع ظروف در میان سفال‌های نسبت داده شده به عصر آهن و دوره‌ی ماد مارال تپه مشاهده می‌شود که در مشابهت با نمونه‌های CPB به لایه‌های ۱،۵ متر ابتدایی محوطه تعلق داشته و به سبب وجود کاسه‌های لبه‌واربخته‌ی اوروکی در سطح محوطه، می‌توانسته مربوط به لایه‌های مضطرب و یا جابه‌جایی اتفاقی قطعات و شاید حتی اشتباهات کاوش‌گر بوده باشد (تصویر ۱۷)، (مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۱۸۰).



► تصویر ۱۶. مجموعه‌ی سفال نخودی ساده با پوشش گلی غلیظ (Plain Slipped Buff Wares)، (یوسفی‌زسک، ۱۳۸۹).

مرحله‌ی استقراری IV

بقایای این مرحله استقراری در کارگاه شماره‌ی ۲، تنها شامل گودال زباله‌ای حفر شده در دل لایه‌های مرحله‌ی استقراری IIIb است که مدت‌ها پس از ترک استقرار در برجستگی جنوبی کنده شده و به منظور انباشت دورریزهای مرحله‌ی استقراری IV مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این که مرحله تنها در یک گودال آشغال یافت شده، سفال‌های آن در نوشتاری دیگر مورد بحث قرار می‌گیرد. یافته‌های سفالی این مرحله‌ی استقراری در مشابهت با آخرین مرحله‌ی استقراری



کارگاه شماره ۱، شامل تداوم برخی اشکال سفال‌های سیاه روی نخودی استاندارد (Standard Black on Buff Wares)، سفال‌های ساده نخودی رنگ زورقی (CPB) و سفال‌های نخودی ساده با پوشش غلیظ گلی (Plain Slipped Buff Wares) در کنار ظروف ساده و خشن (Coarse Plain Buff Wares) از نوع لبه‌وار یخته‌ها، سینی‌های اوروکی و کاسه‌های کف‌نخ‌بُر است. دیگر یافته‌های این مرحله‌ی استقرار، شامل: استخوان، دندان و فک جانوری می‌باشد.

▲ تصویر ۱۷. مقایسه‌ی اشکال مربوط مربوط به گونه‌ی ظروف نخودی ساده ساده با پوشش گلی غلیظ (نکارندگان، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی گونه‌شناختی یافته‌های باستان‌شناسی برجستگی جنوبی محوطه‌ی میمنت‌آباد، نشانگر شباهت‌های نزدیکی است که بین مراحل استقرار مختلف آن با فرهنگ‌های شناخته‌شده‌ی مرکز فلات از دشت قزوین تا کاشان در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم ق.م. و اواخر آن وجود دارد. بنابراین مطالعات مراحل استقرار I تا II₆ میمنت‌آباد قابل مقایسه با تپه‌های قبرستان IV₆₋₄، سیلک III₆، سگزآباد، اسماعیل‌آباد و شیذر بوده و مرحله‌ی استقرار III₀ قابل مقایسه با تپه‌های قبرستان IV₆₋₄، سیلک III₇، سگزآباد، اسماعیل‌آباد، شیذر و اریسمان B است (جدول ۱).

گونه‌شناسی سفال‌های ظریف و خوش‌ساخت با پوشش رقیق نخودی و رواج خمره‌های دهانه‌باز با نقوش طبیعت‌گرایانه حیوانات و نقوش هندسی منظم در کنار رواج گونه‌های جدید سفال‌های ساده و غیرمنقوش نشان‌دهنده‌ی تحولات جدید در سازمان تولید سفال و ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دشت تهران با سایر نقاط است.

پی‌نوشت

1. Simple Red Wares
2. Zigzagged Black on Buff Wares
3. Early Black on Buff Wares

► جدول ۱. جدول توالی گاه‌شناختی گونه‌های شناسایی شده در میمنت‌آباد رباط کریم (نگارندگان، ۱۳۹۳).

Sialk III ₆				Sialk III _{7 a-b}			
Ghabristan IV ₆₋₄				Ghabristan IV ₃₋₁			
MYN I	MYN II _a	MYN II _b		MYN III ₀	MYN III _a	MYN III _b	MYN IV
EBoB	EBoB, ETBoB	ETBoB	LTBoB	PSBoB	SBoB	SBoB	MCPB
CRC							
MWB				CPB, PSB			

4. Early Transitional Black on Buff Wares
5. Late Transitional Black on Buff Wares
6. Proto Standard Black on Buff Wares
7. Carinated Plain Buff Wares
8. Plain Slipped Buff Wares

کتابنامه

- دارک، کن، ۱۳۷۹، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه: کامیار عبدی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- رحیمی، قاسم، ۱۳۹۰، «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی یافته‌های باستان‌شناختی دوره‌ی آغازشهرنشینی بر اساس بررسی روشمند محوطه‌ی میمنت‌آباد (میمون‌آباد)، رباط کریم»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران (منتشر نشده).
- طلایی، حسن، ۱۳۸۵، *عصر مفرغ/ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- علی‌بیگی، سجاده، ۱۳۸۵، «گزارش تعیین حریم محوطه‌ی باستانی میمنت‌آباد شهرستان رباط کریم»، آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان تهران (منتشر نشده).
- فاضلی‌نشلی، حسن، ۱۳۸۰، «بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت تهران»، *مجله‌ی علمی-پژوهشی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۸۴، شماره‌ی ۱۶۰، صص ۱۹۷-۲۱۶.
- فاضلی‌نشلی، حسن، دارابی، حجت، فلاحیان، یوسف، ۱۳۹۰، «گاهنگاری مطلق و نسبی تپه‌ی سگزآباد دشت قزوین»، *مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۳، شماره‌ی ۱، تابستان، صص ۱۳۳-۱۵۹.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۸۳، *سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، تهران.
- گیرشمن، رومن، ۱۹۸۳، *سیلک کاشان*، ج اول، تهران، ترجمه: اصغر کریمی، سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۰، «باستان‌شناسی و سفال»، *مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ*، سال پنجم، شماره‌ی دوم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۷-۱۴.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹، *کاوش‌های محوطه‌ی باستانی ازبکی*، ج اول، هنر و معماری، اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان تهران، تهران.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹، *کاوش‌های محوطه‌ی باستانی ازبکی*، ج دوم: سفال، اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان تهران، تهران.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق، ۱۳۷۸، *ایران در پیش‌ازتاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز*

تا سپیده دم شهرنشینی، پژوهش‌کده‌ی باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، تهران.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق، ۱۳۸۴، *واژه‌نامه‌ی باستان‌شناسی*، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران.
- یوسفی‌زُشک، روح‌الله، ۱۳۸۹، «گزارش لایه‌نگاری محوطه‌ی میمنت‌آباد-رباط‌کریم»، آرشیو پژوهش‌کده‌ی باستان‌شناسی، تهران (منتشر نشده).

- Alden, J. R., 1982, "Trade and Politics in Proto-Elamite Iran", *Curent Anthropology*, Washington DC: Smithsonian, 23: 613-640

- Arnold, D. E., 1985, *Ceramic Theory and Cultural Process*, Cambridge University Press.

- Fazeli Nashli, H., Valipour, H. R. and Azizi Kharanaghi, M.H., 2013, "The Late Chalcolithic and early Bronze age in the Qazvin and Tehran Plains; A Chronological Perspective", in *Ancient Iran and Its Neighbours, Local developments and Long-range interactions in the fourth Millenium B.C.*, Edited by Cameron A. Petrie, BIPS, Pp. 107-131.

- Ghirshman, R., 1939, *Fouilles de Sialk*, Volume I, Geuthner, Paris.

- Kohl, P., 1978, "Western Asian Trade in the Third Millennium B.C.", *Current Anthropology*: 19, pp. 463-92.

- La Brun, A., 1971, "Recherches Stratigraphiques a L'Acropole de Suse (1969-1971)", *DAFI I*: 163-216.

- Lamberg-Karlovsky, C., 1970, *Excavation at Tepe Yahya, Iran; Progress Report I*, Cambridge, Massachusette.

- Majidzadeh, Y., 1976, *The Early Prehistoric Cultures of the Central Plateau of Iran. An Archaeological History of its Development during the Fifth and Fourth Millennia B.C.*, Ph.D. diss., University of Chicago, 1976.

- Orton, C., Tyers, p., & Vince, A., 2007, *Pottery in Archaeology*", Cambridge university press.

- Nokandeh, G., 2010, "Neue Untersuchungen zur Sialk III-Periode im zentraliranischen Hochland: auf der Grundlage der Ergebnisse des, Sialk Reconsideration Project", unpublished Ph.D. dissertation, Verlag im Internet GmbH, Berlin.

- Priestman, S., 2007, "Classification of Sassanian Pottery from Gorgan Plain", Gorgan wall base, the great wall of gorgan project, unpublished report.

- Rice, Prudence, M., 1987, *Pottery Analysis; A Sourcebook*, University of Chicago Press, Chicago.

- Rothman, M., & Gopnik, H., 2011, *On the High Road, the Hitory of Godin Tepe, Iran*, Mazda Publisher, Torento, Canada.

- Rouse, I., 1960, "The Classification of Artifacts in Archaeology", *American Antiquity*, Vol. 25, No. 3 (Jan., 1960), 313-323.

- Shepard, A. O., 1956, "Ceramics for the archaeologist", Carnegie Institute of Washington, Publication, No. 609. Washington, DC.